



پدیده فحشاء ضرورت یا فاجعه؟

لایحه جدید مقابله با فحشاء در فرانسه

بخش ۳

صفحه ۲

آذر ماجدی



در سوئد تعداد پسران تن فروش ۳ برابر دختران تن فروش است!

صفحه ۶

شهلا نوری



بریگاد سرخ زنان در هند ارتش زنان علیه تجاوز و آزار جنسی

صفحه ۸

سیاوش دانشور

اطلاعیه اول درباره برگزاری کنفرانس بین المللی بمناسبت روز جهانی زن

آزادی و برابری زنان مذهب و سکولاریسم

مبارزه با فحشاء

از یک دنیای بهتر نوشته منصور حکمت

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.

- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.

- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازیابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:

- رفع ممنوعیت فروش سکس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای گانگستری، باج خورها و اوباش.

- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.

- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.

- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسنول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.



پدیده فحشاء ضرورت یا فاجعه؟

لایحه جدید مقابله با فحشاء در فرانسه - بخش ۳

آذر ماجدی

جامعه می توان ادعا کرد که اکثر قریب به اتفاق مردان مقیم تهران حداقل یکبار به این شهر سفر کرده بودند. بسیاری مردان "بکارت" خود را در این شهرک و در این دنیای سوررئالیستی از دست داده بودند. در مقابل، بغیر از تن فروشان که در این شهرک اسیر بودند، فقط زنان متخصص مامایی دارای مجوز رسمی برای معاینه این زنان پا در این شهرک می گذاشتند؛ هیچ زن دیگری حق ورود به این شهر را نداشت. دولت بهداشت این زنان را از نظر بیماری های مقاربتی برای جلوگیری از شیوع آن کنترل می کرد.

از این رو طی تاریخ علیرغم خشن ترین برخورد پلیس با تن فروشان، تحمیل خشونت های جنسی و جسمی به آنها، فاحشه خانه ها آزاد بوده اند و یک منبع درآمد برای استعمارگران و ارضای جنسی مردان. تن فروشان باصطلاح "آزاد" که خود مستقلا به کار مبادرت می ورزند و درآمدشان را خود در جیب می گذارند، بسیار نادر اند. حتی اگر فاحشه خانه در جامعه ای ممنوع باشد، یا تن فروشی خارج از فاحشه خانه کار کنند، معمولا واسطه ای هست که تحت پوشش حفاظت از آنها، بخش قابل توجهی از درآمد آنها را به جیب می زند؛ آنها را با تهدید و ارباب در اسارت خود نگاه می دارد. واسطه گان فحشاء که در زبان عامیانه به "جاکش" معروفند، یکی از کثیف ترین و تنفر برانگیزترین پدیده های جامعه محسوب می شوند.

وقتی به مساله درآمد و استعمار تن فروشان توسط صاحبان فاحشه خانه یا دلان دقیق شوید، آنگاه پیچیدگی مبارزه با فحشاء روشنتر می شود. مساله بر سر طبیعت بشر یا بیماری ژنتیکی نیست. مساله اینست که تا زمانیکه تقاضا برای پدیده ای وجود دارد که

سوال می توان از زوایای مختلفی برخورد کرد: برخی ممکن است مدعی شوند که این مساله از ذات انسان ناشی می شود. همانگونه که سکس یک گزینه بشری است، فحشاء نیز در همان رده قرار دارد. عده ای ممکن است مدعی شوند که زنان تن فروش ژنتیکی به این کار کشیده می شوند. چنین توضیحاتی ادعاهایی برای حفظ ریاکاری اخلاقی - اجتماعی و تبعیضات اجتماعی در جامعه است. طبقات دارا که زنان و دخترانشان "خوب و پاکدامن اند" و طبقات محروم که باید به آنها سرویس دهند، از جمله خدمات جنسی.

برخی گرایشات راست حفظ فحشاء را برای "سالم" نگاه داشتن جامعه ضروری می دانند. استدلال آنها چنین است: اگر فحشا نباشد، میزان تجاوز و حمله به حرمت زنان "خوب" بالا می رود. پس به فحشاء بعنوان امری لازم برای پیشگیری از دست درازی مردان به زنان "خوب" جامعه نگاه می کنند. لذا فحشاء حکم واکسن پیشگیری از شیوع تجاوز در جامعه را برای آنها پیدا می کند. بطور مثال، تحت رژیم سابق، علیرغم آنکه اسلام کاملا در دولت مخلوط بود و مظاهر مذهبی در جامعه کاملا حفظ می شد، اما فاحشه خانه با اجازه رسمی آزاد بود. "شهرنو" از آثار "تاریخی" محسوب می شد.*

در جنوب شهر ایران شهرکی وجود داشت، که قوانین خود را داشت. زنانی تمام عمرشان را در آن شهرک می گذراندند و هیچگاه این شهرک را ترک نمی توانستند بکنند. یک نوع برده داری پوشیده. یک منبع استعمار آشکار. دنیایی برای خود و بیگانه با بقیه

مساله فحشاء سوالات اساسی و مهمی را طرح می کند. در انتهای بخش اول این نوشته سوالاتی را در این زمینه مطرح کردیم. در یک تلاش جدی و عمیق برای برخورد به مساله فحشاء باید کوشیده شود این سوالات مورد بحث و بررسی قرار گیرند. بدون برخورد و تلاش برای پاسخگویی به این سوالات، تحلیل از مساله فحشاء بشکل سنتی در سطح باقی میماند:

چگونه می توان با فحشاء مبارزه کرد؟ آیا باید اصولا با این پدیده مبارزه کرد، یا اینکه قوانینی را برای تحت کنترل درآوردن آن بتصویب رساند؟ آیا فحشاء برای جامعه ضروری است؟ آیا اصولا امکان ریشه کن کردن آن وجود دارد؟ آیا مخالفت با فحشاء صرفا از زاویه مذهبی و اخلاقیات سنتی است؟ با مافیای قاچاق انسان چگونه می توان مقابله کرد؟ جریمه کردن مشتری آیا راهی کارا برای مقابله با فحشاء است؟ آیا چنین قوانینی زندگی تن فروشان را با مخاطرات و مشقات بیشتری مواجه نخواهد کرد؟ و بالاخره یک روش انسانی برای برخورد به این پدیده کدامست؟

آیا باید فحشاء را ریشه کن کرد؟

اخلاقیات محافظه کارانه آلوده به مذهب ادعا می کند که باید با فحشاء به شدیدترین شکلی مقابله کرد و جامعه را از این پدیده "گناه آلود" پاک نمود. چنین ادعایی با تفاوت های بسیار ناچیز طی قرون متمادی تکرار شده است. زنان بسیاری به این "گناه" سنگسار شده اند یا به آتش کشیده شده اند. اما هیچیک از این روشهای خشن و ضد انسانی موفق نشده که فحشاء را از میان ببرد یا حتی آنرا کاهش دهد. "فحشاء قدیمترین حرفه در دنیا است." فحشاء یک پدیده فرا تاریخی، فرا جغرافیایی، فرا فرهنگی و بمعنای وسیع کلمه جهانشمول است. آیا این مساله باید ما را به این نتیجه برساند که فحشاء ضرورتی است که نمی توان ریشه کن اش کرد؟ به این

از تأثیرات آنست. پیوند مواد مخدر با فحشاء اظهار ال من الشمس است. مواد مخدر نیز غیرقانونی است و قاچاق آن یک امر بسیار سودآور. مافیای مواد مخدر و فحشاء دو زلویی هستند که بجان جامعه افتاده اند و از آن قربانی می گیرند. لاجرم تن فروشان و تن فروشی نزد جامعه بی حرمت است و در بهترین حالت بعنوان یک زانده ناخوشایند به آن برخورد می شود. برخوردهای لیبرال برخی، در بهترین حالت حکم سازمانهای خیریه را دارد. دردی از کسی دوا نمی کند. از اینرو انسانهای آزادیخواه و برابری طلب که خواهان جامعه ای هستند که کلیه انسانها از آزادی، برابری، رفاه و حرمت فردی و مدنی برخوردار باشند، نمی توانند به پدیده فحشاء بی تفاوت و لاقید بنگرند. باید برای آن راهی انسانی بیابند.

در جوامع اروپای غربی مباحث بسیاری بر سر چگونگی کنترل و نحوه اعمال آن در جریان است. قانون جدیدی که در پارلمان فرانسه بتصویب رسیده است و پیش از این در سوئد، نروژ و فنلاند نیز تصویب شده است، بعنوان راهی برای کمک به تن فروشان معرفی شده است. آیا این قانون در خدمت بهبود زیست و کار تن فروشان است یا در عمل به عکس خود بدل خواهد شد؟ در بخش دوم این نوشته به مباحثی که در این زمینه راه افتاده است و استدلالات موافقین و مخالفین اشاره کردیم. آیا واقعا جریمه خریدار سکس وضعیت تن فروشان را در هیچ جهتی بهبود می بخشد؟ استدلال موافقین این قانون هیچیک به بهبود شرایط زیست و کار تن فروشان اشاره ندارد، بلکه از نقطه عزیمت مقابله با فحشاء و کاهش و سخت کردن تن فروشی به سراغ آن رفته است. وگرنه با هیچ منطقی نمی توان توضیح داد که چگونه جریمه خریداران سکس می تواند به بهبود زندگی و شرایط کار تن فروشان کمک کند. این قانون از این نقطه عزیمت حرکت کرده است که با سخت تر کردن تن فروشی، حداقل برخی از زنان تن فروش از تن فروشی دست بر می دارند.

اما سوال اساسی اینجاست که اگر این زنان کار و انتخاب

صفحه ۴

پدیده فحشاء ضرورت یا فاجعه؟

لایحه جدید مقابله با فحشاء در فرانسه - بخش ۳ ...

زندگی آنها کوتاه شود. این یک رفرم است. اما یک رفرم بسیار ضروری.

با این حساب اصرار ما برای امحای فحشاء چیست؟ اگر این پدیده باصطلاح از ازل وجود داشته و نقطه عزیمت ما در برخورد به فحشاء نه تنها از زاویه اخلاقیات ریاکارانه حاکم و مذهب نیست، بلکه نقد آنهاست، مخالفت ما با فحشاء از کجا نشأت می گیرد؟ اگر برخورد ما اخلاقی نیست، از چه جنس است؟ فحشاء پدیده ای است پیچیده. پیش از این نیز اشاره کردیم که جامعه، حتی لیبرال ترین بخش آن، در برخورد به فحشاء بسختی قادر است از اخلاقیات انتزاع کند. برخی در منتهی الیه طیف چپ می گویند که در واقعیت تفاوتی میان فروش نیروی کار و تن فروشی وجود ندارد. یکی برای امرار معاش نیروی کارش را می فروشد، یکی تنش راه، اینهمه هیاهو بر سر چیست؟ هر دو شنیع است؛ هر دو باید ملغی شود. اگر چه چنین استدلالاتی در سطح انتزاعی ممکن است بنظر درست و منطقی بیاید، در شرایط کنکرت و در زندگی واقعی این استدلالات تلاشی صرفا روشنفکرانه - باصطلاح تئوریک بنظر می رسد. اینکه من نوعی، بعنوان یک انسان با اخلاقیات باز و آزاد، به انسان تن فروش چه برخوردی دارم، امری ثانوی است. جامعه حتی در مدرنترین و از نظر اخلاقی بازترین، نیز نتوانسته با فحشا و تن فروشان برخوردی برابر در مقایسه با کارگری که نیروی کارش را می فروشد، داشته باشد. حتی در فرانسه، آلمان یا سوئد تن فروشی کار قابل قبول و قابل احترامی نیست، یک کار از نظر ارزشی - اخلاقی خنثی نیست؛ کاری است که بهتر است پنهان شود. از اینرو عملا جامعه، تن فروشان را به حاشیه سوق می دهد. زندگی در حاشیه جامعه تأثیرات مستقیم و جانبی منفی بسیاری دارد. قاطعی شدن در جرم و جنایت یکی

تامین آن می تواند پول و سود در پی داشته باشد، آن پدیده به حیات خود ادامه می دهد. این واقعیت، تداوم فحشاء علیرغم جنگ های صلیبی که علیه آن طی تاریخ براه افتاده را جاودانه کرده است. طی تاریخ تحت مناسبات مختلف تولیدی، در شکل تحقق نفع پرستی تفاوت وجود داشته است، اما نفس آن یکسان است. تا زمانیکه مردانی هستند که حاضرند برای سکس پول پرداخت کنند و زنانی هستند که برای امرار معاش راهی یا راه بهتری جز تن فروشی نمی یابند، فحشاء به حیات خود ادامه خواهد داد. *بعلاوه، با توجه به تاریخ می توان دریافت که فحشاء یک منبع مالی بالا است. لذا عرصه ای برای کنترل استثمارگران. و از آنجا که جامعه عموما به فحشاء بعنوان یک پدیده غیراخلاقی - جنایی می نگرد، کنترل استثمارگران بر آن آسانتر، سودشان بیشتر و شرایط استثمارشوندگان خطیر تر و مشقت بار تر می شود. پدیده قاچاق انسان بعنوان بردگان جنسی که طی دو دهه اخیر ابعاد وحشتناکی یافته است، دلیلی است بر این مدعا.

بنابراین، علت وجودی فحشاء یک تقاضای بسیار پایه ای است که به درآمدها و سودهای کلان امکان می دهد. بهمین دلیل تا زمانیکه مناسبات اقتصادی - سیاسی جامعه بر مبنای سود قرار دارد، تا زمانیکه سود تنها محرکه تداوم تولید در جامعه است و تا موقعی که انسانهایی وجود دارند که راه دیگری برای امرار معاش ندارند، یا در محیط هایی قرار گرفته اند که این راه بنظر آسانترین می رسد، فحشاء جان سخت به حیات خود ادامه خواهد داد. راه مبارزه با فحشاء واژگونی این مناسبات تولیدی است؛ لغو کار مزدی، امحای پول و تولید کالایی، الغای نظام سرمایه داری. در نتیجه تا زمانی که تحت این مناسبات قرار داریم باید تلاش شود که قوانینی تصویب گردد و تسهیلاتی بوجود آید که مخاطرات زندگی تن فروشان به حداقل برسد، حرمت آنها در چشم جامعه افزایش یابد و دست واسطه گران و استثمارگران از

حقوق زن نه شرقی است نه غربی، جهانی است!

فروشان توصیه کرده است:

مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.

ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.

غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازیابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باند های جنایتکار از زندگی آنها از طریق:

رفع ممنوعیت فروش سکس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای گانگستری، باج خورها و اوباش.

صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.

ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.

کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

صفحه ۵

پدیده فحشاء ضرورت یا فاجعه؟

لایحه جدید مقابله با فحشاء در فرانسه - بخش ۳ ...

فروش، باصطلاح "خواهرانشان" بودند، از اقداماتی برای بهبود امنیت و رفاه آنها دفاع می کردند، بجای آنکه از قانونی دفاع کنند که بقول سخنگوی "سندیکای کارگران سکس" زنان تن فروش را ضربه پذیرتر و زندگیشان را با مخاطرات بیشتری مواجه می سازد. یا بقول دکتران بی مرز، شرایط بهداشتی و سلامتی آنها را با مخاطرات بیشتر مواجه می سازد.

جالب اینجاست که حتی زمانی که دولت ادعای مبارزه با فحشاء را دارد و راه حل جریمه مردان خریدار سکس را در پیش گرفته است، باز این قانون قرار است مردان طبقات پایین و محروم را هدف بگیرد. طبقات دارا و ممتاز که در خیابان به خریداری سکس نمی روند، در پارک و ماشین سکس نمی خرند که پلیس بتواند براحتی ۱۵۰۰ یورو جریمه شان کند. آنها در هتل های لوکس یا در آپارتمانهای امن از زنان اسکورت استفاده می کنند. همانگونه که استراوس خان، رئیس صندوق بین المللی پول که قرار بود کاندید ریاست جمهوری حزب سوسیالیست باشد، تمام عمرش با تن فروشان خوابیده است و هیچکس خم بر ابرو نیآورده است.

در یک کلام، این یک قانون ریاکارانه ناسیونال - فمینیستی است که نه تنها هیچ بهبودی در زندگی تن فروشان ایجاد نمی کند، بلکه زندگیشان را سخت تر و پر مخاطره تر می کند. باید پرده ریاکاری که حول پدیده فحشاء کشیده شده است، درید. باید به استدلالات سطحی فمینیستی پاسخ گفت. باید اعلام کرد که امحای کامل فحشاء فقط در جامعه ای امکانپذیر است که پول و سود در آن محلی از اعراب نداشته باشد. تا آن زمان "برنامه یک دنیای بهتر" نوشته منصور حکمت این اقدامات را برای ایجاد بهبودهای واقعی در شرایط زیست و کار تن

بهتری داشتند، چرا از اول به تن فروشی سوق داده شده اند؟ این سوال حتی در مباحث نیز طرح نشده است. دولت فرانسه صندوقی برای آموزش برخی تخصص ها و مهارتها به زنان تن فروش در نظر گرفته است. اما در شرایطی که وضعیت اقتصادی بهتری وجود داشت و دولت رفاه کمک های بیشتری به بیکاران، خانواده های تک سرپرست، معلولین و انسانهای کم درآمد میکرد، تن فروشی یک راه تامین معاش یا تامین اعتیاد برای بسیاری بود؛ اکنون که بحران خشن سرمایه داری موجد بیکاری، فقر و بی خانمانی بسیار گسترده ای شده است، چنین صندوقی واقعا چه کمک قابل توجهی می تواند به این زنان بکند؟ بنظر می رسد که دولت به این مسائل توجهی نکرده است و صرفا از زاویه ناسیونالیستی - فمینیستی به سراغ مساله رفته است. در شماره پیش از وزیر زنان دولت فرانسه نقل کردیم: "من جامعه ای را که در آن زنان دارای قیمت هستند، نمی خواهم." این یک ادعای عوامفریبانه و سطحی است. ایشان ظاهرا از دنیا بی خبر است. نمی داند که در یک جامعه سرمایه داری زندگی می کند که همه چیز را با پول خرید و فروش می کند. این صرفا یک ژست پرطمطراق فمینیستی است.

علت دیگری که برای تدوین این لایحه ارائه شده است، مقابله با قاچاق انسان است. اینها امرشان مقابله با قاچاق انسان و رهایی این بردگان نیست، می خواهند کار قاچاقچیان را در فرانسه سخت تر کنند تا آنها به کشور دیگری بروند. می خواهند خانه خودشان را گردگیری کنند. دفاع این لایحه ریاکارانه و ناسیونالیستی است. فمینیست ها برای این قانون هورا کشیده اند. چرا؟ آیا واقعا وضعیت زنان تن فروش بهتر می شود؟ خیر. اینها از موضع ضد مرد حرکت می کنند. می خواهند مردان جریمه شوند. خوشحالند که مردان برای خرید سکس جریمه می شوند. زیرا اگر کمی تعمق بخرج می دادند و واقعا بفکر بهبود شرایط زنان تن

نشریه آزادی زن را توزیع کنید!

اطلاعیه اول درباره برگزاری کنفرانس بین المللی

آزادی و برابری زنان مذهب و سکولاریسم

سازمان آزادی زن با همکاری ابتکار فمینیستی اروپا روز اول مارس ۲۰۱۴، بمنظور بزرگداشت ۸ مارس روز جهانی زن، یک کنفرانس بین المللی در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار می کند. تم این کنفرانس آزادی و برابری زنان و نقش مذهب و سکولاریسم است. این کنفرانس بویژه بر موقعیت زنان و جنبش آزادی زن در خاورمیانه تمرکز می کند. خیزش های اخیر توده ای، رشد و پیشروی جنبش اسلامی، بقدرت رسیدن جریانات اسلامی در تونس، مصر و لیبی و رودر رویی جنبش آزادی زن با جنبش اسلامی در منطقه، خیزش مردم ترکیه و تلاش برای بزرگ کردن دولت اسلامی اردوغان، جنگ داخلی در سوریه و نقش فعال جریانات اسلامی در میان نیروهای اپوزیسیون سوریه و همچنین اعتراضات میلیونی در مصر علیه دولت اخوان المسلمین که بدخلالت ارتش و برکناری دولت مرسى منجر شد، همه بر یک تنش عظیم میان جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی و جنبش اسلامی دلالت می کند.

پشتیبانی و حمایت فعال غرب در راس آن آمریکا از جریانات اسلامی در منطقه نیز بیانگر آنست که علیرغم تمام رتوریک تروریسم دولتی علیه تروریسم اسلامی، چگونه این دو تروریسم در مقابل جنبش آزادی مردم منطقه دست در دست هم می نهند. اما مقاومت مردم، قدرتمندی جنبش های آزادی زن، سکولار و کارگری در مقابل جریان اسلامی یک نقطه امید درخشان در تحولات منطقه است. بنظر می رسد که مردم منطقه و جنبش آزادی زن از تاریخ و تجربه ایران و موقعیت و جنبش آزادی زن در ایران آموخته اند.

سازمان آزادی زن در متن مبارزه و تلاشهای قاطع و دائمی خود برای آزادی و برابری زنان، علیه اسلام سیاسی و نقش مخرب و ارتجاعی مذهب تاکنون چندین کنفرانس بین المللی بسیار موفق برگزار نموده است. در این کنفرانسها فعالین جنبش آزادی زن از کشورهای مصر، افغانستان، ایران، الجزایر، فلسطین، اسرائیل، گرجستان و کشورهای اروپایی شرکت کرده اند و یکصدا از آزادی و برابری زن و نقش مهم سکولاریسم در این رابطه دفاع کرده اند. امسال نیز در تداوم این سنت کنفرانس دیگری با شرکت فعالینی از منطقه، از جمله ترکیه، سوریه، مصر، ایران و همچنین اروپا برگزار خواهیم کرد.

از هم اکنون کلیه علاقمندان را به شرکت در این کنفرانس مهم دعوت میکنیم. جزئیات بیشتر و نام سخنرانان در اطلاعیه های بعدی باطلاع عموم خواهد رسید. اما از شما میخواهیم که تاریخ و محل این کنفرانس را از هم اکنون در تقویم هایتان بنویسید.

تاریخ: شنبه اول مارس ۲۰۱۴
محل: شهر گوتنبرگ، سوئد

سازمان آزادی زن
۸ دسامبر ۲۰۱۴

پدیده فحشاء ضرورت یا فاجعه؟

لایحه جدید مقابله با فحشاء در
فرانسه - بخش ۳ ...

* شهرنو با بقدرت رسیدن رژیم اسلامی بفعیج ترین شکلی به آتش کشیده شد و بسیاری از زنان تن فروشی که زنده زنده در آتش نسوختند، زیر لگد مردان غیور اسلامی جان باختند یا خرد شدند. آنهایی که جان سالم بدر بردند به محلی در خیابان جردن به یک ساختمان شیک و مدرن صادراتی منتقل شدند و به خدمات جنسی به مردان خدا پرداختند. بخاطر دارم که در همان روزهایی که این جنایت فجیع اتفاق افتاد روزی سوار یک تاکسی شدم. یک آخوند با دو زن لاغر استخوانی سیه چرده در تاکسی بودند. بعد از چند دقیقه ای نتوانستم جلوی کنجکاوای خودم را بگیرم، نگاهی به زنان کردم. زیر چشمانشان کبود، لبهایشان باد کرده و صورتشان تقریباً داغان بود. در نگاه اول بنظر بالای ۴۰ سال می رسیدند اما کمی دقت نشان می داد که در اوایل بیست سالگی بودند. قلبم بدرد آمد. نمی دانستم موضوع چیست، اما می توانستم حدس بزنم. آنها قبل از من در خیابان جردن نزدیک خیابان فرشته دم یک ساختمان بزرگ شیک پیاده شدند. از راننده تاکسی پرسیدم اینجا کجاست. او بهم گفت که شهرنو را به آتش کشیده اند و این زنان را از آنجا به این ساختمان برای توبه کردن منتقل می کنند!

** البته اکنون تعداد مردان تن فروش افزایش چشمگیری داشته است و زنان خریدار سکس نیز به یک پدیده آشنا بدل شده است. اما از آنجا که این واقعیت تأثیری در بحث پایه ای ما در مورد فحشاء ندارد، برای ممانعت از پیچیدگی غیرلازم در بحث، ما به همان شکل شناخته شده فحشاء اکتفاء می کنیم.

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!



در سوئد تعداد پسران تن فروش ۳ برابر دختران تن فروش است!

شهلا نوری

وادر کردن من به تمکین از خود یکی از راههای ارضای این مردان احساساتی بود. آنها می گفتند راه دیگری وجود ندارد. من هم که بسیار جوان و کم تجربه بودم باور می کردم. ترس از ارتباط با زنان و تشکیل زندگی با یک زن، بچه دار شدن، ادامه زندگی در محل تولدم باعث می شد به اینکار ادامه دهم.

دیگر تن فروشی نمی کنم ولی روزهای سختی دارم. هنوز هیچ ارتباط عاشقانه ای را تجربه نکرده ام و گاهی فکر می کنم برای برقراری یک رابطه شاید مجبور به تن فروشی بشوم.

ترجمه آزاد از بخشی از مقاله ای برگرفته از نشریه اینترنتی Genusfolket

تابو!

گفته می شود: همجنسگرایی در کشور سوئد در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان امری نسبتاً پذیرفته شده است. اما نگاهی عمیق به گفته های این جوان که از ۱۴ سالگی تن فروشی کرده است نشانگر حضور سنگین تابوی همجنسگرایی در جامعه سوئد است! در جامعه سوئد جدایی جنسیتی وجود ندارد. دختر و پسر از مهد کودک تا دانشگاه، از خانه تا محیط کار با هم و در کنار هم زندگی می کنند. دانش کافی و لازم در مورد نحوه بر طرف کردن نیاز جنسی خود از طریق ارتباط با جنس مخالف و یا از طریق خود ارضایی پیدا می کنند.

پس این شکاف و تابوی واقعی کجاست که هنوز مثل بختک بر ذهنیت جامعه سایه افکنده و چون سدی محکم در مقابل ابراز علنی تمایل همجنسگرایی ایستادگی می کند. وقتی یک جوان همجنسگرا برای ارضای خویش راهی بجز سوق پیدا کردن به آزار جنسی، تجاوز، خرید و فروش سکس و تجاوز گروهی نمی یابد، دیگر نمی شود این ادعا را پذیرفت. روابط خشن و زورمدارانه جای یک ارتباط سالم بین دو همجنس را می گیرد.

اما آن مردانی که به تجاوز و خرید سکس از کودکان متوسل می شوند، آنرا نمی توان با تابوی همجنسگرایی توضیح داد و توجیه کرد. این پدوفیلی است؛ یک جنایت است. در فرهنگ عقب مانده سنتی ایران چنین مردانی را سلاطین صاحب قران و پسران جوان را ملیجکاتی که مقاربت جنسی با پادشاه جزئی از وظایف تعریف شده شان است، می خوانند.

اریک: "زمانیکه تن فروشی می کردم حس همجنسگرایی عادی بود"

اریک ۱۴ ساله بود زمانیکه دست به تن فروشی زد. او برای ملاقات مردی که از طریق نت آشنا شده بود به تنهایی به گوتنبرگ سفر کرد. آن مرد هزینه سفر او را پرداخته، برایش مشروب خریده، به حساب بانکی او پول واریز کرده، و از آن به بعد ارتباط خود را با اریک ادامه می دهد.

- در گوتنبرگ امکان تن فروشی بسیار آسان بود ولی من هنوز با این سن کم بلد نبودم چونکه باید با این مردان ارتباط داشته باشم.

بر اساس گفته Ungdomsstyrelsen تعداد پسران تن فروش ۳ برابر دختران است. بر اساس تحقیقات این سازمان در سال ۲۰۱۲ آمار تن فروشی در بین پسران بین ۱۶ تا ۲۵ ساله ۲/۱ در صد بوده است. در صورتیکه رقم تن فروشی دختران ۰/۸ درصد است.

نویسنده این مقاله در استکهلم اریک را ملاقات می کند. او بخشی از زندگی خود را اینگونه تعریف می کند: در محل زندگی ما "هموفوبیا" (هراس از هم جنسگرایی) یک امر بدیهی بود. من در سن ۱۲ سالگی گرایش نسبت به مردان را برای اولین بار حس کردم. انواع ارتباط با هم جنسان خود داشتم اما تصور همبستر شدن با آنها برایم غیر واقعی بود. به همین دلیل تصمیم گرفتم که از طریق نت با مردان ارتباط بگیرم. ولی هرگز به تن فروشی فکر نمی کردم. برایم این تنها راه ملاقات با مردان بود. مردان با تعریف و تشویق مسیر را به من نشان می دادند. تعریف آنها از من برایم کافی بود. به پول فکر نمی کردم. پول فقط یک تشویق اضافی بود. آنها به من اهمیت می دادند و حاضر بودند بخاطر بودن با من بهای گزافی بپردازند. آشنایی من با اولین مرد موجبات آشنایی با مردان دیگر شد. آن مرد من را به دوستان خود معرفی کرد. گاهی چندین مرد را در هتل یا خانه ای دور از شهر ملاقات می کردم. بعضی اوقات شرایط بسیار ترسناک بود و خطر مرگ را حس می کردم. در عین حال احساس دوگانه ای داشتم. گاهی احساس سلطانی مقتدر را داشتم و گاهی حس می کردم بسیار تنها هستم. در ۱۶ سالگی با مردان مختلف که هم متأهل بودند و هم در رأس مشاغل بودند که با همجنسگرایی تمایز فراوان داشت گروپ سکس داشتم. آنها بسیار احساساتی بودند و از همسر و فرزندان خود بسیار گله مند. استفاده از نمایش فیلمهای پورنوی بسیار خشونت آمیز و

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!

صدور دمکراسی!

به لطف تهاجم میلیتاریستی و سر کار آوردن نیروهای متفرقه اسلامی در لیبی اجرای قوانین شریعه تصویب شد!



بریگاد سرخ زنان در هند

ارتش زنان علیه تجاوز و آزار جنسی ...

زن در جامعه طبقاتی همواره با یک جنگ قدرت در تمام سطوح جامعه از خانواده و محیط کار و قوانین و اجتماع و فرهنگ و سیاست و اقتصاد روبرو است. این جنگ قدرت اگر جاهائی برای کسب برابری حقوقی در چهارچوبهای مدیریتی و اداری و سیاسی وضع موجود است، در سطوح بسیار گسترده تری برای دفاع از حقوق و آزادی فردی و اجتماعی بعنوان زن و بعنوان شهروند برابر در جامعه است. در ایران هر روز رژیم اسلامی تلاش میکند زنان را در موقعیت درجه چندم قرار دهد. هر روز دست در انبان شریعت و تاریخ عهد عتیق میکند و قانونی را علیه زنان تصویب میکند. از چند همسری تا ازدواج با دختر خوانده و تجاوز قانونی به کودکان و غیره. اما همزمان نبردی عمیق و همه جانبه و نسلی در هر منفذ جامعه با ارتجاع اسلامی در جریان است. تصویر زن امروز از خود از تصویری که قانون و عرف و سنت از وی بدست میدهند، عمیقاً متفاوت است. در ایران اخیراً زنان مبتکر کتک زدن به گروههای اسلامی رژیمی موسوم به "نهی از منکر" شده اند. این هم نوعی دفاع شخصی زنان در ایران و دفاع از حق لباس پوشیدن آنطور که میخواهند است. بریگاد سرخ زنان در هندوستان علیه مردان مزاحم خیابانی شکل گرفته و "بریگاد زنان در ایران" علیه دست درازیها و مزاحمت های ماموران رژیم اسلامی. هر دو از حرمت و حقوق زن دفاع میکنند.

اما در این سطح نباید متوقف شد و ضروری است که از آن فراتر رفت. ولی آنچه که خوشایند و قابل توجه و تعمق است، فاکتور اعمال قدرت در اشکال مختلف و در تناسب قوای مختلف است. قدرتی که باید تا به آخر اعمال شود، تا تحکیم برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد! *

* لینک خبری صدای آمریکا از ارتش زنان در هند

<http://ir.voanews.com/content/india-red-brigade/1810477.html>

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸،۳۰ بوقت
تهران از شبکه هات برد

مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

کانال: KMTV

تلویزیون مدوسا

روزهای جمعه ها از ساعت 2 تا 3 بعدازظهر به

وقت اروپای مرکزی

مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

KMTV

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هینت تحریریه:

آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

پیش به سوی آزادی زن!

جمع های آزادی زن را تشکیل دهید!

با ما ارتباط بگیرید.

نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و توزیع کنید.

شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید و شعارنویسی کنید.

اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را برای ما سریعاً ارسال کنید.

جمع های خود را گسترش دهید.

از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع خود را اعلام کنید.

در مبارزات و اعتراضات مردم با شعارهای آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر حجاب اجباری، آبارناب جنسی لغو

باید گردد شرکت کنید.

دوستان و آشنایان را به پیوستن به سازمان آزادی زن تشویق کنید.

برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!



بریگاد سرخ زنان در هند

ارتش زنان علیه تجاوز و آزار جنسی

سیاوش دانشور

حکومت در هندوستان کار موثری انجام نمیدهد. تجاوز و تعدی به زنان ادامه دارد و هر روز اخبار هولناک تری از جمله تجاوز به دختر بچه ۵ ساله بگوش میرسد. در چنین اوضاعی منطق بقا حکم میکند که کاری کرد و قدرتی را پیش رو گذاشت که بتواند به قدرت متجاوزین و حامیان قانونی و سنتی شان فائق بیاید و یا دستکم شر آنها را کمتر کند.

قدرت در جامعه امری مادی است. بطور کلی، آرایش و چگونگی قدرت مقابله مردم با حاکمیت نه از اصول و کتاب در می آید و نه از قانون حاکم. قانون حاکم چیزی جز انعکاس قدرت سیاسی و اقتصادی طبقه حاکمه نیست. منافع اقتصادی و سیاسی و فرهنگی این طبقه حکم میکند که قانون همواره جانب بالائینها را بگیرد، جانب سنت های عتیق و قدرت آنها در مناسبات اجتماعی حاکم را بگیرد. اما برای پائینی ها خود قانون یک قلمرو کشمکش است. هر زمان عامل و یا مجموعه عواملی تناسب قوای سیاسی و فکری و فرهنگی را تغییر میدهند، علیرغم قانون حاکم، قانون واقعی یعنی اراده مردم زحمتکش حکم میراند. هر قانون موجود، محصول تناسب قوای معینی است و مهر آن تناسب قوا را بر خود دارد. اما با گذشت زمان و گسترش کشمکش جنبشهای سیاسی و طبقاتی، این اراده و عمل جمعی انسانهاست که قانون روز جامعه را معنی و خود را به قانون حاکم تحمیل میکند.

زن در جامعه میتواند قدرت خویش را بطرق مختلف اعمال کند. بریگاد سرخ اوشا و دوستانش هیچ منشا قانونی (بقول اسلامیهها "وجهت قانونی") ندارد اما یک فاکتور واقعی و مادی است. بریگاد سرخ زنان لاکنو در شمال هندوستان عملاً در خیابانها اعمال حاکمیت زنانه میکند و از امنیت و حضور زن در جامعه دفاع میکند. این زنان و بریگاد سرخ شان نه فقط روی موج وحشت و خانه نشینی و روشهای محافظه کار نمیروند بلکه شیوه ای تعرضی در پیش میگیرند و در خیابانها روی مردان عقب مانده و ضد زن و مردسالار و متجاوز را کم میکنند. این فاکتور خود را به جامعه تحمیل میکند، الگوی جدیدی میدهد، زنان را در همه جا به متشکل شدن و کسب اعتماد بنفس با بالا بردن توانائی دفاع از خود ترغیب میکند و این توان را به یک ذخیره مهم مبارزه اجتماعی برای برابری زن و مرد تبدیل میکند. در هر حال کمترین دستاورد این نوع تلاشها این خواهد بود که دولت و پلیس و هیئت حاکمه برای جلوگیری از سر بر آوردن "نیروهای خودگردان" و "قطب های قدرت" در جامعه، راسا اقداماتی را در دستور بگذارد و یا به سازشی با این نیروهای جدید تن دهد.

صفحه ۷

تعدادی از زنان در شهر لاکنو در شمال هند بریگاد سرخ برپا کرده اند. آنها خود اساساً یا قربانی تجاوز جنسی بوده اند و یا مکرراً مورد تهدید به تجاوز و آزار جنسی در محل کار و خیابان و اتوبوس قرار گرفته اند. رهبر و مبتکر این ارتش "اوشا ویشواکارما" است. اوشا ۲۵ سال دارد و در سال ۲۰۱۰ همکارش قصد تجاوز به او داشته است. اوشا موضوع را به پلیس خبر میدهد اما پلیس کاری نمیکند و حتی مرد همکار متجاوزش مدتها وی را مسخره میکند که موضوع را علنی کرده است! اوشا گفته است که همین وضعیت، یعنی حمایت غیر مستقیم قانون از متجاوزین و ضد زن ها و افزایش روزمره تجاوز جمعی و قتل و آزار جنسی در شهرهای هندوستان، وی را به ایده تشکیل بریگاد سرخ رسانده است.

هم اکنون ارتش اوشا بیش از ۲۰۰ عضو زن دارد. او در مقابل خانه اش به زنان فنون دفاع شخصی را آموزش میدهد. ففونی که در شرایط مختلف بتوان خونسرده از خود دفاع و تهدید را رفع کرد. اعضای بریگاد سرخ اما صرفاً از خودشان دفاع نمیکند بلکه بنوعی دارند "اعمال حاکمیت و قانون" میکنند. آنها بطور عادی ظاهر نمیشوند. اعضای بریگاد لباسهای سرخ و سیاه میپوشند. در خیابانها گشت دارند و خدمت مردانی که به زنان متعلق میگویند و به آنها دست درازی میکنند، زنان را مورد آزار جنسی و تجاوز قرار میدهند، میرسند.*



زن و قدرت

ارتش زنانه بریگاد سرخ در هندوستان، محصول یک نیاز واقعی است: امنیت روزمره. این ارتش محصول و نیاز جامعه ای است که در آن هر روز خبر تجاوز دسته جمعی به زنان و کودکان در اتوبوس و محل کار و خیابان بگوش میرسد. همه دیدند که این تجاوزهای جمعی با اعتراضات گسترده در خود هندوستان و افکار عمومی انساندوست در سطح جهان روبرو شد. با اینحال پلیس و

به سازمان آزادی زن پیوندید!